

طرحی برای یک
متافیزیک نظام‌مند

دیوید آرمسترانگ

ترجمه
سید محمد حسن آیت‌الله زاده شیرازی
و
سید علی سیدی فرد



نشر کرگدن

فهرست

۱	پیش‌گفتار مترجمان
۱۹	درآمد
۲۳	۱. مقدمه
۲۹	۲. ویژگی‌ها
۴۷	۳. رابطه‌ها
۵۱	۴. اوضاع امور
۶۱	۵. قوانین طبیعت
۷۵	۶. واکنش به استعدادگرایی
۸۱	۷. جزئی‌ها
۸۹	۸. صادق‌سازها
۹۷	۹. امکان، فعلیت، ضرورت
۱۰۵	۱۰. حدود
۱۱۵	۱۱. فقدان‌ها
۱۲۱	۱۲. رشته‌های عقلی: منطق و ریاضیات
۱۲۷	۱۳. اعداد
۱۳۱	۱۴. رده‌ها

فصل دوم ویژگی‌ها

در اینجا بحث را با ویژگی‌های اشیا^۱، اموری نظیر رنگ، شکل، دما و جرم، آغاز می‌کنیم. بحث از ویژگی‌ها ما را به اوضاع امور^۲، یعنی هویت‌هایی که محور هستی‌شناسی من هستند، می‌کشانند. راسل و ویتگنشتاین این هویت‌ها را امور واقع^۳ می‌خوانند؛ من نیز، تنها با تفاوتی در اصطلاح‌شناسی، پا جای پای آنها می‌گذارم. [برای این بحث]، کتاب *فلسفه اتمیسم منطقی* راسل (1918) و *تراکتاتوس ویتگنشتاین* (1922) را ملاحظه کنید. به نظر من، ویتگنشتاین [در این مسئله] وامدار راسل، بزرگ‌ترین متافیزیک‌دان قرن بیستم، بود. پذیرش وجود ویژگی‌ها طبیعی به نظر می‌رسد. اشیا به‌انحای خاصی واجد رنگ‌اند و اشکال و اندازه‌های متفاوتی دارند. آنها گرم، سرد یا چیزی بین این دو هستند و وزن‌های متفاوتی دارند. کاوش علمی نیز طبقه‌بندی اشیا بر اساس ویژگی‌هایشان را بی‌درنگ می‌پذیرد. برای مثال، ویژگی متعارف وزن را می‌پذیرد و [بر اساس آن] ویژگی مهم‌تر و پیچیده‌تر جرم را بسط می‌دهد. شخص روی ماه وزن کمتری دارد، اما جرم او تغییر نمی‌کند. در سطحی عمیق‌تر، علم ویژگی جرم-سکون^۴ را وضع می‌کند، یعنی جرم جسم هنگام سکون آن، که در مقابل جرمی قرار دارد که هنگام حرکت واجد آن است. [همان‌طور که ملاحظه شد] بخش بسیار بزرگی از علم تجربی

1. properties of objects
3. facts

2. states of affairs
4. rest-mass

به کشف ویژگی‌های اشیا مربوط می‌شود که این امر موفقیت‌های حیرت‌انگیزی به‌همراه داشته است. با این حال، تا همین اواخر بسیاری در سنت فلسفه تحلیلی به نفی وجود ویژگی‌ها در جهان، و بنا به عبارت معمول لاتین، نفی وجود فی‌الواقع (in re) ویژگی‌ها متمایل بوده‌اند. به‌طور سنتی، این موضع را نام‌گرایی^۱ می‌خوانند، هرچند این واژه گاهی اوقات حامل معانی دیگری نیز هست. بنابراین، کار خود را باید با توجه به این دیدگاه شکاکانه آغاز کنیم. انواع گوناگونی از نام‌گرایی وجود دارد: نام‌گرایی محمولی^۲، نام‌گرایی رده‌ای^۳، نام‌گرایی مبتنی بر شباهت^۴ و چیزی که من آن را نام‌گرایی مسئله‌گریزه^۵ می‌خوانم (برای کتابی مقدماتی در این زمینه، Armstrong 1989 را ببینید). قائلان به نام‌گرایی محمولی اعتقاد دارند ویژگی‌ها صرفاً سایه محمول‌ها هستند (Searle 1969 را ببینید؛ او می‌گوید: «[این به اصطلاح] کلی‌ها، طفیل عبارت‌های محمولی هستند» (p.120). تلاش برای حل مسائل متافیزیکی با «تغییر سطح به معناشناسی»^۶، یعنی با توسل به زبان، در آن زمان رایج بود). امیدوارم بتوانیم از این موضع [بدون بحث کردن در باب آن] بگذریم.^۷ نام‌گرایی رده‌ای دیدگاهی جذاب‌تر است. طبق این دیدگاه، داشتن ویژگی سفیدی به این معناست که [شیء واجد سفیدی] عضوی از رده اشیا سفید است. این تحلیل از ویژگی‌ها بر اساس «نظریه مجموعه‌ها» است. پرسش جالب این است که آیا هر رده‌ای از اشیا قوام‌دهنده یک ویژگی است، حتی اگر نامی برای ویژگی مذکور وجود نداشته باشد یا هیچ کاربردی برای آن و هیچ علاقه‌ای به آن نداشته باشیم؟ این دیدگاه باید نوعی نام‌گرایی رده‌ای تمام‌عیار باشد که در عین حال نسبتاً نامعقول است. زمانی دیوید لوئیس به این دیدگاه اعتقاد داشت؛

1. nominalism

2. predicate nominalism

3. class nominalism

4. resemblance nominalism

۵. ostrich nominalism؛ واژه ostrich در لغت به معنای «شترمرغ» است؛ در فرهنگ انگلیسی‌زبان معروف است که شترمرغ هنگام ترس سر خود را زیر شن و خاک می‌کند تا خطر را نبیند (چیزی شبیه کبک در فرهنگ خودمان)؛ به همین دلیل، این واژه در برخی موارد اشاره به شخصی دارد که به‌جای حل مسئله و مشکل، سعی می‌کند از مسئله فرار کند. آرمسترانگ این دیدگاه را به مایکل دیویت نسبت می‌دهد؛ چراکه او بدون اتخاذ موضعی روشن، می‌خواهد از اصل مسئله فرار کند. -م.

6. semantic ascent

۷. گفتن اینکه ویژگی‌ها چیزی جز سایه محمولات نیستند، از لحاظ متافیزیکی چندان جذاب نیست. -م.

8. every